

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۳۱ جنوری ۲۰۲۲

هادی دریابی

مادر جان! چازد است یک کمی انتحار کنم؟

دل خود را خنک و نان دشمن را زار کنم؟

مادر جان! من عاشق محترم حور حور گشته‌ام

از راه زندگی و زندگی دور دور گشته‌ام

مادر جان! دوستان من کلاً کفن پوشیده‌اند

بهر برباد کردن کفار زیاده‌اند کوشیده‌اند

مادر جان! ساعت چند سرمه به چشمم می‌زنی؟

مردم از خشم؛ چه زمان سویچ خشمم می‌زنی؟

مادر جان! گریه نکن بچه گکت غازی شده

خیلی تیز، خیلی چالاک مثل سگ تازی شده

مادر جان! واسکت نو جدید خریده‌ام، دیروز

بهر تفریح سر چند نفر بریده‌ام، دیروز

مادر جان! بس است دیگر گریه نکن قربان تو

مولوی صاحب نگفت درد می‌کند دندان تو؟

مولوی صاحب دیروز برای ما افسانه خواند

قصه‌ی حور بهشت و میوه و از خانه خواند

گفت حوران عزیز خیلی سفید است مثل شیر

گفت شاید صد دانه‌اش جمع شده پیش قدیر

آن قدیر که پارسال ترقاند خود را بین جمع

گفته همیشه میخوره دانه انار ده پیش شمع

مادر جان! میگه که حور پر از انار و کشمش است
پر از عسل، پر از شکر، بهر شهیدان بخشش است
مادر جان میگه که مثل کبوتر دانس بلد است
اوه خدا جان! میگه خیلی چرخش و چانس بلد است
مادر جان! خسته شدم، اینجا نه حور است نه پری
نه زه نقره خانه‌ای، نه باغ پر کاکل سری
از ایمان من خبر داری که خیلی محکم است؟
خیلی محکم، بیخی محکم، هیچ دیگه باز محکم است
مادر جان! لطفاً حلالم کن مرا شیر داده‌ای
گاهی شغلم، گاهی زردگ، گاهی هم سیر داده‌ای
مادر جان! تو آرزو داشتی که خوب آدم شوم
درس بخوانم خوب زیاد تا نور این عالم شوم
اما ای مادر مرا شوق شهادت آمده
وقت خودترقانی و وقت رشادت آمده
می‌روم تا بفشارم دکمه‌ای واسکت خویش
گل و گلزار بکنم فردای قیامت خویش
ندهم یک تار موی حور به صد ناز زمان
نکنم پنهان این عشق را من از مغز و زبان
حالا ای مادر! مریز اشک و بخند یک چند کیلو
جایگاه انتحار من مشخص شد، سیلو!
من به فرمان امیر المومنین جنگ می‌کنم
خاک را برای کفار مثل قبر تنگ می‌کنم
گفت مادر، کیست کافر؟ کیست غیر کافر؟
دست خود خونین نکن به خون مردم، پسر!

خون کدام است، انتحار من شهادت می‌شود
آلهی وصل بهشت بعد از قیامت می‌شود
گفت مادر، او بچه بیرون نمان پای از درت!
تو هنوز آدم نشدی، خاک عالم بر سرت!!!
اقتباس از: سایت اطلاعات روز